

بررسی ابعاد فقهی و حقوقی فرزندخواندگی در ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

سودابه خوارزمی^۱
مهدیه دامن افشان

چکیده

فرزند خواندگی نهاد قانونی است که به موجب آن رابطه خاصی بین فرزند خوانده و پدر خوانده و مادر خوانده به وجود می آید. این امر در طول تاریخ حقوق، سابقه نسبتاً طولانی دارد و در ادوار مختلف با اهداف گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. این تأسیس حقوقی پس از سیر تحولاتی در حال حاضر به صورت کامل و ساده یا ناقص در حقوق کشورهای غربی با آثار متفاوت پذیرفته شده است. در ایران با وجود سابقه پذیرش این نهاد در دوران حکومت ساسانیان و اعتبار آن نزد زرتشتیان، با نفوذ اسلام منسوخ گردید ولی به علت فواید فردی و اجتماعی و نیاز مبرم جامعه و استقرار عدالت و حمایت از اطفال بدون سرپرست تحت عنوان ((سرپرستی اطفال بدون سرپرست)) با آثار حقوقی مشخصی احیا گردیده است. نهاد فرزند خواندگی علاوه بر فوایدی که برای فرزند خوانده در بر دارد، برای استحکام بخشیدن اساس خانواده و از بین بردن ناهنجاری های آشکار و پنهان زن و شوهری که از داشتن فرزند واقعی محروم مانده بسیار کارساز است و زن و شوهری که فاقد فرزند هستند ولی با عشق و علاقه زندگی مشترک را ادامه می دهند از طریق پذیرش کودکی در خانواده خود، غم پنهانی این محرومیت را به فراموشی می سپرند و یا از سنگینی و فشار آن می کاهند و طفل بیگانه حاصل از عوامل طبیعی یا غیر طبیعی همانند فرزند واقعی در پناه این خانواده به نحو مطلوب رشد می کند و وارد جامعه می گردد.

واژگان کلیدی: فرزند خوانده، سرپرست، طفل، پدر خوانده، مادر خوانده

مقدمه

پژوهشگران و حقوق دانان عقیده بر این امر دارند که فرزند خواندگی ریشه در نیاز نظامی و اقتصادی داشته و گاهی عوامل روحی و معنوی یا عاطفی موجب پیدایش آن شده است. در حال حاضر نیز این نهاد بر اساس نیازهای معنوی خانواده و کودک بدون سرپرست استوار است. در گذشته دور روسای قبیله ها به منظور تقویت بنیه دفاعی و زیاد شدن قدرت قبیله ای و داشتن جمعیت فراوان، خانواده ها و اعضای قوم را به داشتن فرزند زیاد تر تشویق می کردند و به افراد کثیر الاولاد، صله قابل توجهی می بخشیدند که به تدریج داشتن فرزند وظیفه مقدس و سنتی حسنه شناخته شد و ارزش مذهبی پیدا کرد به نحوی که افراد بدون فرزند در خود احساس کمبود می کردند و دچار مشکلات روحی می شدند و متفکران برای حل این مشکل و جبران این کمبود، راه حلی اندیشدند و چنین مرسوم گردید، افرادی که با وجود اشتیاق و علاقه فراوان به داشتن فرزند از این موهبت محروم بودند، فرزند خواندگی انتخاب و جانشین فرزند واقعی نمایند، کم کم این طرز تفکر در ذهن مردم به عنوان سنت حسنه رسوخ کرد، از طرف دیگر در میان اقوام گذشته، خانواده بر اساس قدرت پدری یا پدر شاهی استوار بود و رئیس خانواده قدرت فوق العاده ای داشت. به طوریکه قادر بود به میل خود افراد و اعضای خانواده را تعیین و به هر تربیتی که می خواست خانواده خود را شکل دهد و حتی قادر بود اطفال و فرزندان واقعی و طبیعی خود را از خانواده اخراج و بیگانه ای را به فرزند می پذیرد. در رسم قدیم به منظور آیین دینی و مراسم و شعائر مذهبی و تامین قوای کافی فرزند خواندگی از اهمیت فراوانی برخوردار بود و کثرت و تعدد فرزند خواندگان سبب افزایش ارزش و اعتبار خانواده ها می گردید.

بخش اول: ضرورت پژوهش

بی شک نهاد خانواده به عنوان با هویت ترین نهاد اجتماعی از دیرباز مقام ممتازی را بین کلیه تاسیسات حقوقی نوین و کهن احراز کرده است و با انجام عقد نکاح بنیان و اساس خانواده شکل می گیرد، جهت نظم بخشی این نهاد یک سلسله حقوق و وظایف بر آن بار می شود. که در علم حقوق تحت عنوان حقوق خانواده از آن یاد می شود و حقوق خانواده از مهم ترین بخش های حقوق مدنی است. حقوق خانواده دارای دو ویژگی است از یک طرف خانواده به عنوان اولین کانون همکاری بر مبنای مهرورزی و پشتوانه اطفال قلمداد شده

است و از طرف دیگر گاهی این تعاون و حتی خانواده به هم می خورد و طفل بدون سرپرست باقی می ماند و لذا گاهی قانون گذار مجبور به مداخله می گردد و پر واضح است که میان مسائل و موضوعات پر شمار مسأله ((فرزند خواندگی)) به عنوان یکی از مسائل مهم است که متبادر به ذهن است و مضافاً این که در بروز چنین حالتی که طفل فاقد سرپرست می گردد اولین مسأله ایی که وجدان جامعه را بیدار می کند تعیین و تکلیف طفل بی سرپرست خواهد بود و لذا در بنابراین فرزند خواندگی در سالم سازی خانواده ای که فاقد فرزند هستند و هم چنین آینده خود طفل بسیار واجد اهمیت است. تجربه ثابت کرده است که چنان رابطه عمیقی بین فرزند خوانده و پدر و مادر خوانده ایجاد خواهد شد که فاصله بین فرزند واقعی و ظاهری به کلی محو می گردد وزن و شوهر فراموش می کنند که طفل مزبور فرزند واقعی آن ها نیست. لذا اهمیت این مقاله می توان برشمرد که علاقه مندان به داشتن فرزند می توانند این کمبود را به طریق فرزند خواندگی جبران و سعادت کانون زناشویی را تکمیل نمایند.

• سوالات مطروحه:

- ۱- آیا در حقوق ایران نهاد فرزند خواندگی به رسمیت شناخته شده است.
- ۲- آیا فرزند خوانده تمامی آثار حقوقی ناشی از فرزند حقیقی را دارا می باشد
- ۳- آیا ازدواج سرپرست فرزند خوانده با وی مجاز است.

• فرضیات مطروحه:

- ۱- به نظر می رسد قانون مدنی ایران نهاد فرزند خواندگی را تحت عنوان کودکان بی سرپرست به رسمیت شناخته است.
- ۲- فرزند خوانده به غیر از آثار ارث و حرمت نکاح از تمامی حقوق فرزند طبیعی برخوردار می باشد
- ۳- ازدواج سرپرست و فرزند خوانده با او از نظر اسلام مجاز شمرده شده است

• اهداف

- ۱- کشف و بیان نواقص قانونی و ارائه راه حل های مناسب برای پذیرش فرزند خوانده
- ۲- حفظ حقوق مادی و معنوی فرزند خوانده از طرف پدرخوانده یا مادر خوانده
- ۳- اثبات ماهیت حقوقی نهاد فرزند خواندگی و چگونگی ایجاد و شرایط آن.

بخش دوم: تعاریف و مفاهیم

۱- مفهوم فرزند خواندگی : فرزند خواندگی عبارت است از یک رابطه حقوقی است که بر اثر پذیرفته شدن طفلی به عنوان فرزند، از جانب زن و مردی به وجود می آید. بدون آن که پذیرندگان طفل پدر و مادر واقعی طفل باشند.

۲- مفهوم فرزند در علم حقوق : در علم حقوق فرزند به کسی گفته می شود که از نسل دیگری نباشد و بین آنها رابطه خونی و طبیعی وجود داشته و بین پدر و مادر او جز در موارد استثنایی رابطه زوجیت ایجاد شده باشد.

۳- تفاوت بین فرزند واقعی و حکمی یا ظاهری : بین فرزند واقعی و حکمی تفاوت وجود دارد و آن عبارت است از این که پیوند موجود بین فرزند حقیقی و پدر و مادر وی پیوندی طبیعی و نا گسستنی است و رابطه حقوقی بین آن ها هرگز از بین نخواهد رفت، ولی پیوند بین فرزند و پدر و مادر خوانده به آن محکمی نیست و عواملی نظیر انحلال خانواده و غیر بسته به سیاست قانون گذار ممکن است رابطه حقوقی موجود را زایل کند.

بخش سوم: سابقه تاریخی فرزند خواندگی

در میان اقوام گذشته خانواده بر اساس پدر سالاری استوار بود، و چون میزان قدرت خانواده به تعداد فرزندان خانواده بسته بود، تمامی خانواده ها سعی داشتند که تعداد فرزندانشان بیشتر باشد و لذا فرزند خواندگی از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. در میان مردم قدیم روم نیز چنین رسوم بود که بعد از فوت ریاست خانواده، پسر وی ریاست را بر عهده می گرفت و به همین دلیل داشتن فرزند ذکور اهمیت فراوانی داشت زیرا تصور مردم چنین بود که اگر مردی فوت شود و پسر نداشته باشد کانون خانواده از هم پاشیده می گردد و نیز معتقد بودند دختر هر خانواده با ازدواج کردن باید آداب و آیین خانواده اصلی خود را ترک کند و الزاماً با آیین خانواده شوهر بپیوندد^۱ بنابراین دختر قادر نبود آداب و سنت خانواده اصلی خود را حفظ نماید و در نتیجه هر مرد رومی و رئیس خانواده داشتن پسر را یک نیاز حتمی و امری ضروری می دانست و اگر پسر نداشت یا قادر نبود صاحب فرزند شود، بر حسب ضرورت، پسر شخص دیگری را به فرزندگی می پذیرفت و برای به

۱- دیانی، عبدالرسول (۱۲۷۸). حقوق خانواده و ازدواج و انحلال آن. نشر میزان ص ۵۷

۲- فرامرزی. رفیع (۱۳۷۷) آناتومی جامعه مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی ص ۲۱۷

دست آوردن فرزند خوانده ناچار بود با یکی از رومیان دارای پسران متعدد توافق کند تا یکی از پسرانش را به وی بفروشد و از تمام حقوق خود نسبت به آن پسر صرف نظر کند. تشریفات چنین بود که طرفین و طفل در دادگاه حضور می یافتند و پدر کودک در نزد قاضی سه مرتبه اظهار و اعلان می کرد، پسر را فروخته و با این اعلام دیگر هیچ گونه حقی بر آن فرزند نداشت و سپس خانواده پدر خوانده تسلیم کودک را به عنوان پسر خوانده خود از وی می خواست و قاضی دادگاه سکوت پدر واقعی طفل را حمل بر رضایت وی بر این اقدام می کرد و کودک را به پدر خوانده تحویل می داد.^۲ با طی این تشریفات رابطه طفل با خانواده اصلی به طور کامل زایل و قطع می شد. و رابطه حقوقی وی با پدر خوانده برقرار می گردید و در نتیجه نام و مشخصات خانوادگی پدر خوانده بر فرزند خوانده نهاده می گردید. در حقوق مسیحیت خانواده بر اساس ازدواج استوار بود و نهادی تحت عنوان فرزند خواندگی در مذاهب دین مسیح پذیرفته نشده بود. لذا در حقوق مبتنی بر مذهب در کشورهای اروپایی از جمله در حقوق قدیم فرانسه فرزند خواندگی اعتماد و ارزش قدیم خود را از دست داده و یا بسیار ضعیف شده بود. در فرانسه بعد از وقوع انقلاب کبیر مقرراتی در زمینه فرزند خواندگی پیش بینی گردید ولی در سال ۱۸۰۴ به وسیله تدوین کنندگان قانون مدنی پذیرش^۱ فرزند خواندگی دچار تردید شدند ولی به توصیه ناپلئون بناپارت این نهاد حقوقی در مجموعه قانون مدنی و در نهاد خانواده جای خود را پیدا کرد و قرار شد بین فرزند واقعی و فرزند خوانده تفاوتی نباشد.^۳

بخش چهارم: انواع فرزند خوانده

- ۱- فرزند خوانده کامل : نهادی است که در این نهاد بین فرزند خوانده از نظر حضانت و تربیت و ولایت، حرمت نکاح و توارث و استفاده از نام خانوادگی پذیرنده کودک، با فرزند واقعی تفاوتی وجود ندارد و رابطه فرزند خوانده کامل با خانواده اصلی وی قطع می شود.
- ۲- فرزند خوانده ساده : فقط از بعضی مزایای فرزند واقعی بهره می برد این نوع فرزند خواندگی قابل فسخ است و رابطه کودک با خانواده اصلی نیز قطع نمی شود^۴

۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴) حقوق خانواده ص ۳۴

۲- codsivil

۳- زنجانی، سید موسی ۱ (۱۴۱۹) کتاب نکاح، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز ص ۹۲

۴- صفایی، حسین و امامی اسدالله (۱۳۸۲) حقوق خانواده و نکاح و انحلال آن. ص ۷۹

در ایران سه نوع فرزند خواندگی مرسوم بود :

۱- فرزند خواندگی انتخابی : و آن فرزند خواندگی بود که پدر و مادر خوانده فاقد فرزند در زمان حیات خود فرزند را به فرزند خواندگی می پذیرفتند و او را تحت حمایت و سرپرستی خویش قرار می دادند.

۲- فرزند خواندگی قهری : زن ممتاز یا دختر منحصر متوفایی بود که آن متوفی برادر یا پسری نداشت که در این صورت آن زن یا دختر بدون اراده و به طور قهری فرزند خوانده متوفی محسوب می گردید.

۳- فرزند خوانده ای که ورثه متوفای بدون اولاد بعد از فوتش برای او انتخاب می کردند.

بخش پنجم: فرزند خواندگی در اسلام

در عربستان قبل از اسلام فرزند خوانده دعی نامیده می شد^۱ و چون در سرزمین عربستان قتل و غارت و هجوم به کاروان ها به عنوان امرار معاش تلقی می گردید، داشتن نیروی هجومی و دفاعی امری ضروری بود و لذا داشتن پسر ارزش فراوانی داشت و به همین نسبت داشتن دختر را ننگ و مایه زحمت می دانستند و ولادت پسر را جشن می گرفتند و لذا داشتن پسر خوانده امری پسندیده به شمار می رفت ولی با رشد و توسعه اسلام در زمینه فرزند خواندگی تحولاتی ایجاد گردید و اساس تلاش اسلام و پیامبر اکرم شکستن بت های نفس بود در قبل از اسلام در میان اعراب ازدواج ممنوع بود ولی با ورود اسلام این سنت منسوخ گردید. چنان چه قرآن کریم می فرماید ((ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله لکل شی و علیما))^(۲) در جایی دیگر می فرماید ((ادعولاً بائهم هوا قسط عندالله فان لم تعلموا آبائهم فاخوانکم فی الدین و موالیکم...))^(۳) در این آیات تصریح شده که فرزند خواندگان شما فرزندان واقعی و صلبی شما نیستند و آنچه شما می گوئید و چنین طفلی را فرزند خود یا دیگران می نامید واقعیت ندارد باید فرزند خوانده ها را به نام پدران واقعی آنها بنامید که درست و واقعیت همین است و اگر پدر آن ها مشخص نباشد این گونه افراد برادران دینی و دوستان و یاوران شما تلقی می گردند و در

۱- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹) وسایل الشیعه الی التحصیل مسائل شرعی، قم ص ۵۱۰

۲- آیه ۴۰ از سوره کریمه احزاب

۳- آیه ۵ از سوره کریمه احزاب

آیه ۳۷ همین سوره ازدواج با بیوه فرزند خوانده مباح و مجاز شمرده شده است. با توجه به آنچه گفته شد ممکن است تصور شود که فرزند خواندگی در اسلام به طور کلی منسوخ شده است ولی به نظر می رسد به دلایل زیر برداشت فوق مخدوش است.

اولاً)) در حقوق اسلام فرزند خواندگی و داشتن فرزند خوانده ممنوع نیست و نمی توان دلیل محکمی بر ممنوعیت آن ارائه داد.

ثانیاً)) سوره احزاب در مقام بیان واقعیت است تا آن چه خلاف حقیقت در ذهن مردم نسبت به فرزندان واقعی و فرزند خواندگان به وجود آمده تفکیک و متمایز سازد.

ثالثاً)) اگر بر طبق این آیات تردیدی در فرزند خواندگی به وجود آید طبق قاعده عقلی و شرعی اصله الا باحه داشتن فرزند خوانده امری مباح است.^۱

رابعاً)) ذکر فرزند خوانده و جواز ازدواج با زنان فرزند خوانده در آیات ۳۷ سوره احزاب که به دنبال آیه ۴ آن سوره نازل گردیده است دلالت بر ابقای نهاد فرزند خواندگی دارد و الا در صورت منسوخ بودن فرزند خواندگی مطرح کردن دوباره آن از طرف شارع زیبنده نیست.

بخش ششم: فواید فرزند خواندگی

فرزند خواندگی در شرایط کنونی و جوامع امروزی برای استحکام و گرمی بخشیدن به کانون خانواده های بدون اولاد و سالم سازی جامعه و رفع مشکلات روحی اطفال بدون سرپرست و کاستن ناهنجاری های روانی زن و شوهری که از نعمت فرزند دار شدن محروم هستند، نقش و فایده چشمگیری دارد و بار مسئولیت دولت نیز کاسته خواهد شد. روانشناسان و جامعه شناسان جهان عقیده دارند بهترین محیط برای پرورش روح کودکان و تلطیف عواطف آنان، محیط خانه و مجموعه خانواده است، کودکان علاوه بر غذا و لباس به محبت نیاز دارند و اطفالی که از نعمت خانواده و گرمی و محبت محروم هستند^۲ و در محیط های شبانه روزی نظیر شیرخوارگاه ها و پرورشگاه ها و مراکز دیگر زندگی می کنند غالباً به اختلال و عقب افتادگی فکری و ذهنی و ناراحتی های عصبی مبتلا هستند چرا که محبت یک زن و مرد قادر است فقط روح یک یا دو کودک را ارضا کند ولی به حال پناه

۱- ابن حمزه طوسی، محمد (۱۴۰۸). الوسیله الی نیل الفضیله. قم ص ۱۴۸

۲- فرامرزی، رفیع (۱۳۷۷) آناتومی جامعه مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی ص ۱۰۷

۲- دینانی، عبدالرسول (۱۳۸۷). حقوق خانواده و ازدواج و انحلال آن. ص ۲۲۰

کودک در یک پرورشگاه مفید نخواهد بود. به همین دلیل بسیاری از متفکران و روان شناسان قدیم و جدید خانواده را بهترین محیط برای رشد جسم و روح اطفال می دانند و پرورشگاه را برای کودکان در حکم زندان و تبعید گاه تلقی می کنند^۲ که این امر مورد توجه دین اسلام نیز قرار گرفته و نگه داری اطفال بی سرپرست و ایتام در مکان های عمومی را مفید نمی داند و توصیه اکید دارد که این گونه افراد در خانواده ها رشد کنند و لذا پیامبر اکرم می فرماید ((خیر بیوتکم بیت فیه یتیم یحسن الیه و شربیوتکم بیت یساء الیه)) بهترین خانه آن خانه ایی است که در آن یتیمی محبت شود و بدترین آن خانه ایی است که با یتیمی بد رفتاری شود.

بخش هفتم: فرزند خواندگی در ایران

در نظام حقوقی اسلام، نسب منحصرأ از طریق ولادت مشروع ایجاد می شود بنابراین فرزند خواندگی باعث ایجاد نسب قراردادی نمی شود. خانواده های فاقد فرزند تحت ضوابط و شرایطی می توانند کودکان بی سرپرست را سرپرستی نماید. بدون آنکه آثار ناشی از قرابت نسبی، از قبیل ارث و حرمت نکاح بین آنها ایجاد شود^۱. قانون مدنی ایران به پیروی از شریعت اسلام و فقه، فرزند خواندگی را به رسمیت نشناخته و ولی فقط طبق قانون حمایت از کودکان بی سرپرست خانواده های فاقد فرزند می توانند کودکان بی سرپرست را به فرزندی بپذیرد بنابراین در ایران فرزند خواندگی به مفهومی که در کشورهای غربی به کار می رود وجود ندارد. در حال حاضر، همین قانون حمایت از کودکان بی سرپرست که مربوط به حدود چهل سال پیش است اجرا می شود ولی اخیراً تلاش هایی برای تغییر قانون در حال شکل گیری است که شرایط فرزند خواندگی را تسهیل می کند و مثلاً علاوه بر زوجین، دختران مجرد هم می توانند، فرزند اختیار کنند. در سال ۱۳۹۲ لایحه حمایت از کودکان بدسرپرست و بی سرپرست مورد بررسی قرار گرفت و شامل ازدواج فرزند خوانده با سرپرست خود بود و بسیار بحث انگیز شد.^۲

بخش هشتم: شرایط زوجین سرپرست پدر و مادر خوانده

- وجود علقه زوجیت بین زوجین سرپرست، زنان و مردان مجرد صلاحیت سرپرست شدن

۱- امامی، حسن (۱۳۷۲) حقوق مدنی خانواده. انتشارات اسلامیة ص ۱۹۲

۲- استفتائات حضرت آیت الله مکارم شیرازی. ص ۱۳۳

را ندارند ولی در سال ۹۲ به دختران مجرد این حق اعطا گردید.

- اقامت زوجین سرپرست یا پدر و مادر خوانده در ایران
- تراضی زوجین سرپرست به عبارت دیگر پدرخوانده و مادر خوانده هر دو بایستی راضی باشند

- فرزند نداشتن زوجین سرپرست، زوجین باید پس از گذشت پنج سال از ازدواج، فاقد فرزند باشند، مگر این که بنابه گواهی پزشک عقیم باشند.
- داشتن سن لازم که عبارتست از این که یکی از زوجین باید سی سال داشته باشد.
- صلاحیت اخلاقی زوجین سرپرست که این امر می تواند در تربیت و آموزش کودکان موثر باشد.

- اهلیت قانونی زوجین سرپرست که منظور از اهلیت به طور عام است زیرا فرد محجور خود بایستی تحت سرپرست دیگری باشد.
- نداشتن سابقه کیفری - تمکن مالی زوجین سرپرست. عدم ابتلاء به بیماری های صعب العلاج - عدم اعتیاد - تدین به دین اسلام از مهمترین این شرایط هستند.^۱

بخش نهم: آثار حقوقی

فرزند خوانده باید کمتر از دوازده سال داشته باشد و ناشناس بودن خانواده کودک یا در قید نبودن مادر و جد پدری از شرایط لازم می باشد، رسیدگی به امور فرزند خواندگی در صلاحیت دادگاه عمومی است. دوره آزمایشی، شش ماه است و در این دوره هیچ رابطه حقوقی بین کودک و خانواده ایجاد نمی شود. و نفقه کودک به عهده پدر خوانده و یا مادر خوانده است و قانون به متقابل بودن نفقه تصریح نکرده است و طفل تحت سرپرستی در این مورد تکلیفی ندارد وضعیت حضانت و تربیت طفل تحت سرپرست نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر مادر است^۲ و فرزند خوانده باید مطیع پدر و مادر خوانده در حدود متعارف باشد و فرزند خوانده از نام و نام خانوادگی پدر خوانده استفاده می کند و اداره امور اموال و نمایندگی قانونی فرزند خوانده بر عهده پدر خوانده و مادر خوانده خواهد بود، قانون

۱- قانون حمایت از کودکان بی سرپرست. ماده ۱۷

۲- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴) حقوق خانواده. نکاح و طلاق ص ۴۷

۳- استفتائات حضرت آیت الله مکارم شیرازی ص ۱۱۰

حمایت از کودکان بی سرپرست درباره امکان یا حرمت نکاح طفل با پدر خوانده یا مادر خوانده سکوت کرده است. در سال ۱۳۹۲ مسئله ازدواج با فرزند خوانده در محافل رسمی ایران و شبکه های اجتماعی ایرانیان به موضوع داغ تبدیل شد. شورای نگهبان در راستای نزدیک کردن این لایحه به اصول شرع (طبق روایت حقوق دانان و فقهای این شورا از شرع) و برخلاف نظر بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به اصلاح لایحه کودکان بی سرپرست اقدام نمود که طی آن ازدواج سرپرست با فرزند خوانده مجاز شمرده می شود. عده زیادی از مخالفین و منتقدین حقوق زنان و کودکان به مخالفت با این قانون جدید برخاسته^۲ و حتی مشروط کردن اجازه ازدواج به حکم دادگاه را غیر انسانی و غیر اخلاقی دانستند. در میان واکنش ها عده ای از علماء از جمله آیت الله مکارم شیرازی چون این ازدواج را به نفع فرزند خوانده نمی داند و عنوان نموده راه را برای سوء استفاده پدر خوانده باز می کند شرعاً جایز نمی داند. البته افراد دیگری مانند احمد آل حسین قرآن پژوه نیز عنوان می دارد که قرآن فرزند خوانده را چون فرزند حقیقی و جزو محارم می داند و با عدم تفکیک کلمه فرزند خوانده از فرزند صلبی محرمیت ازدواج وی را امضاء کرده است. عدم وجود رابطه بیولوژیک بین سرپرست و فرزند خوانده نمی تواند مانع محرومیت شود همچنان که در موارد ذیل قرآن عدم رابطه بیولوژیک (پیوند نسبی) یا پیوند سببی را مانع محرمیت ندانسته است بلکه رابطه تربیتی را عامل محرمیت دانسته است. فرزندان همسر از ازدواج قبلی اش اگر وارد زندگی مشترک شوند، مادران رضاعی و خواهران رضاعی و در نهایت زنان پیامبر که در همان سوره احزاب بعد از فوت پیامبر به علت رابطه خاصی که به عنوان حاملین سنت رسول با امت داشته اند محرم ازدواجی قلمداد شده اند تا امکان نفوذ و سوء استفاده از موقعیت آنان فراهم نشود.

نتیجه گیری

فرزند خوانده ای که از طرف پدر خوانده یا مادر خوانده مورد پذیرش قرار می گیرد چیزی است که کس دیگری را که فرزند طبیعی آن ها نیست به فرزندی می پذیرند و فرزند خواندگی در صورتی که به رسمیت شناخته شود نوعی قرابت ایجاد می کند، قرابتی که صرفاً حقوقی است نه طبیعی. به عبارت دیگر با قبول فرزند خواندگی قانون یک رابطه مصنوعی پدر - فرزندی یا مادر - فرزندی بین دو نفر ایجاد می کند. در ایران دوره باستان

نیز فرزند خواندگی مورد پذیرش قرار داشت خصوصاً با توجه به نقشی که دین زرتشت در آن ایام داشته و اعتقاداتی که آنان در مورد فرزند خواندگی داشتند به طوریکه فرزند خوانده را در حکم فرزند حقیقی دانسته و آثار و رابطه پدر و فرزندی را بر آن حاکم می دانند. نهاد فرزند خواندگی دارای جایگاه ویژه ای می باشد و پذیرش کودکان بی سرپرست و یتیمان به فرزندی خواه به منظور کمک به آنان و خواه در جهت رفع نیازهای معنوی پدران و مادرانی که به هر دلیل فاقد فرزند هستند از دیرباز در جوامع بشری معمول و مرسوم بوده است. چرا که از این طریق هم فرزند خوانده می تواند از امکانات جسمی و روحی و تربیتی برخوردار گردد و بتواند در پناه خانواده جدید آینده ای روشن برای خود رقم بزند و هم پدر خوانده و مادر خوانده با آمدن فرزند قانونی در خانواده ایجاد نمایند که باعث گرمابخشی به خود و فرزند باشد. ولی آنچه مهم است این مسأله می باشد که در دین مبین اسلام نسب تنها از طریق ولادت مشروع ایجاد می شود و لذا فرزند خوانده که از راه اختیار و رضایت وارد خانواده شده نمی تواند آثار حقوقی ناشی از قرابت نسبی همچون ارث و حرمت نکاح را شامل شود و نیز قانون مدنی ایران که از فقه اسلامی پیروی می کند فرزند خواندگی را به رسمیت نشناخته و فقط بر طبق ضوابط قانون حمایت از کودکان بی سرپرست آن را مورد بررسی و قبول نموده است و لذا خانواده های فاقد فرزند می توانند کودکان بی سرپرست را بر طبق همین ضوابط به فرزندی بپذیرد البته ذکر این نکته نیز ضروری است که نهاد فرزند خواندگی در کشور ایران با آن چه که در اروپا و کشورهای غربی است متفاوت می باشد و آثار حقوقی که به این نهاد در ایران بار می شود طبق فقه و قوانین اسلامی است و ضوابط کودکان بی سرپرست تابع غبطه و مصلحت آنها ایجاد گردیده است.

پیشنهادهات

پیشنهادهات و راهکارهایی که در این زمینه قابل طرح است بدین قرار می باشد.

- ۱- هوشیاری و آگاهی زوج ها به هنگام پذیرفتن فرزند خوانده. پدر خوانده و مادر خوانده باید این آگاهی را داشته باشند که به محض پذیرفتن فرزند خوانده آثار حقوقی از قبیل نفقه و حضانت بر آن بار می شود و لذا آثاری که بر اثر پذیرفتن فرزند خوانده ایجاد نمی گردد با آگاهی پذیرا باشند و سایر موارد را با آگاهی انجام دهند که نه خود و نه فرزند خوانده از این بابت دچار آسیب نشوند.

۲- اگر پدر خوانده و مادر خوانده از آوردن فرزند ناامید شدند ولی برای پذیرفتن فرزند خوانده توافق ندارند مدتی تحمل نمایند تا هر یک از آنها که مخالف این امر می باشد رضایت کامل را اعلام نماید. برای اینکه بعد از پذیرفتن فرزند خوانده اشتیاق و علاقه آنها به خانواده و کانون زندگی بیشتر می گردد.

۳- فرهنگ سازی. این که در جامعه ای که ما زندگی می کنیم بسیاری از کودکان هستند که بنا به هر دلیلی سرپرست خود را از دست داده اند و نیازمند به افرادی هستند که آنها را از شیرخوارگاه ها و پرورشگاه ها به کانون خانواده برگردانند و از طرف دیگر بسیاری از خانواده ها نیز وجود دارند که چندین سال ازدواج نموده اند و تمکن مالی مناسبی را نیز دارا هستند ولی وقتی که به کانون خانواده می آیند بسیار سرد و دلگیر می باشد و می توانند با آوردن فرزند خوانده هم به خود خدمت کرده باشند و هم یتیمی که چشم براه کمک می باشد.

۴- بسته های تشویقی از جمله اقداماتی است که دولت می تواند برای ترویج خانواده هایی که فاقد فرزند هستند، اقدام به پذیرش فرزند خوانده نمایند.

ارائه بسته های تشویقی مانند اعطای وام به فرزند خوانده و یا این بسته ها در قالب سرویس های خدماتی ارائه شود به عنوان مثال پذیرش آنان و پرداخت یارانه آموزشی یا استفاده از امتیازات تشویقی دیگر می تواند عاملی موثر در این امر باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید
- ۲- ابن حمزه طوسی، محمد، (۱۴۰۸)، الوسيله الى نيل الفضيله، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم
- ۳- آل حسینی، احمد، (۱۳۹۲) حرمت ازدواج با فرزند خوانده، رویکرد قرآنی. جلد اول موسسه امام صادق علیه السلام، قم
- ۴- اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۴۲۳)، وسیله النجاة (مع حواشی الامام خمینی)، چاپ اول موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم
- ۵- امامی، سید حسن (۱۳۷۲) حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران
- ۶- امینی، ابراهیم (۱۳۹۰) آشنایی با وظایف و حقوق زن. نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ چهارم
- ۷- امیر محمدی. محمد رضا. (۱۳۸۸) حقوق مدنی. نظام خانواده. چاپ اول. نشر میدان، تهران
- ۸- بداعی. فاطمه (۱۳۸۸)، آیین دادرسی در دادگاه های خانواده، نشر میدان، تهران
- ۹- بهجت گیلانی. محمد تقی (۱۴۲۸)، استفتائات. چاپ اول. نشر دفتر حضرت ایت الله بهجت، قم
- ۱۰- جعفری لنگرودی. محمد جعفر (۱۳۸۲) ترمینولوژی حقوق. حاوی اطلاعات رشته های حقوق. چاپ سیزدهم. کتابخانه گنج دانش. تهران
- ۱۱- حر عاملی. محمد بن حسن (۱۴۰۹) وسایل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول. نشر موسسه آل بیت علیهم السلام. قم
- ۱۲- دیانی. عبدالرسول (۱۳۷۸) حقوق خانواده ازدواج و انحلال آن. نشر میزان. چاپ اول. تهران
- ۱۳- زنجانی. سید موسی (۱۴۱۹) کتاب نکاح. چاپ اول. نشر موسسه پژوهشی رأی پرداز. قم
- ۱۴- صفایی. حسین وامامی اسدالله (۱۳۸۲) حقوق خانواده نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق) چاپ نهم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

- ۱۵- فرامرزی. رفیع، (۱۳۷۷) آناتومی جامعه. مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی. انتشارات کاوه. تهران
- ۱۶- کاتوزیان. ناصر (۱۳۸۴) حقوق مدنی خانواده (نکاح و طلاق) چاپ ششم. نشر شرکت سهامی برنا. تهران
- ۱۷- مکارم شیرازی. ناصر. (۱۴۲۸) کتاب نکاح. چاپ اول. انتشارات مدرسه.علی ابن ابیطالب علیه السلام.قم